

زمینه‌های زهد و تصوّف در اندیشه حسن بصری

سیدحسن سیدترابی محمود آباد^۱

دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی واحد کرج و عضو هیئت علمی واحد رشت

دکتر احمد ذاکری

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

چکیده مقاله:

تصوّف در عالم اسلامی دو چهره به خود گرفته است، یکی چهره قدیم آن، یعنی صورتی از تصوّف که در میان مسلمانان قرون نخستین پدید آمد و دیگر، چهره‌ای که مسلمین اخیر به آن داده‌اند!

حسن بصری برجسته‌ترین چهره تصوّف زاهدانه در قرن اول و دوم هجری است. اگر چه زهد تنها سرچشمه تصوّف به شمار نمی‌آید اما نزد مسلمانان نخستین، زمینه را برای توجه بعضی مستعدان آماده کرده است. زمینه‌های این زهد را می‌توان در منابع اقوام و ملل دیگر و همچنین در تعالیم اسلامی جستجو کرد. حسن بصری از جمله زاهدانی است که در زمینه زهد و تصوّف هم از باورها و عقاید اقوام دیگر و هم از تعالیم قرآنی و سنت و کردار پیامبر اکرم و صحابه صاحب نام روزگار خود تأثیر پذیرفته است. از این جهت بررسی زمینه‌های زهد و تصوّف وی، ابهام و برخی تناقض گویی‌ها را درباره این شخصیت برجسته اسلامی رفع خواهد کرد. علاوه بر این، انگیزه گرایش حسن به زهد و تصوّف ریشه در اندیشه معرفت شناسانه وی

1- Hassan.seyedorabi@yahoo.com

دارد. بی‌تردید محتوای نظری آموزه‌های تصوف زاهدانه صوفیان نخستین چون حسن بصری ناشناخته باقی مانده است. مقاله حاضر با هدف بررسی این امر مهم نگاشته شده است.

کلیدواژه‌ها:

زهد، حسن بصری، باورهای غیر اسلامی، تعالیم اسلامی، تصوف زاهدانه.

پیشگفتار

حسن بصری یکی از شخصیت‌های برجسته تابعین است، که برخی از جریان‌های فکری او را از جمله پیشگامان طریقت خود می‌دانند. با همه این توصیفات تعبیر گوناگونی از شخصیت وی وجود دارد. برخی با عنایت به مواضع سیاسی بی طرفانه‌اش او را زاهدی ملبس به زهد ریایی معرفی می‌کنند این در حالی است که در بیشتر منابع و حتی پژوهش‌های جدید بیش از هر صفتی به زهد و پارسایی حسن بصری اشاره شده است. هدف از عرضه این مقاله ارائه و معرفی تصوف زاهدانه به عنوان روح حاکم در تمام اندیشه‌ها و بینش‌های وی است. تحقیق و تدوین آفاق فکری و آرای زاهدانه و صوفیانه وی به صورت نظام مند در دوره جدید تفکر اسلامی و عرصه عرفان‌شناسی حائز اهمیت است.

گرایش حسن بصری به زهد، ریشه در اندیشه‌های معرفت‌شناسانه وی دارد بررسی دقیق زمینه‌های زهد او در رفع ابهام موجود درباره شخصیت وی موثر خواهد بود. البته این تنها علت گرایش وی به زهد نبوده، عوامل متعدد دیگری که اغلب آن از تعالیم اسلامی نشأت می‌گیرد در طریقت زاهدانه وی دخیل است که در این مجال به بررسی دقیق و موشکافانه آنها خواهیم پرداخت.

نقش فقر و زهد در تثبیت بنیان اولیه تصوف اسلامی نقش اساسی و غیر قابل انکار است. به گونه‌ای که در دوره‌های نخستین اسلامی آراء و افکار صوفیانه متأثر از زهد و ترک لذایذ دنیوی و انزوا و کناره‌گیری از دنیا و اهل دنیا بوده است. شهرت « زهاد ثمانیه » دلیلی بر این مدعا است. حسن بصری یکی از این هشت زاهد پرهیزگار به شمار می‌آید. این پرهیزکاران و پاکدلان که از بین محدثان برخاسته بودند مخالف حکومت فئودالی و اشرافی بنی امیه بودند و همان‌ها را می‌توان نخستین بنیان‌گذاران جنبش تصوف زاهدانه نامید در این زمان هنوز

اصطلاح صوفی وجود نداشت.^۱ اگر در این دوره به دنبال نامی برای این حرکت‌ها باشیم نام تصوف عملی یا تصوف زاهدانه بر قامت این پارسایان به جد زیبا می‌نشیند.

شیخ حسن بصری

حسن بصری (متوفی ۱۱۰) هجری به عنوان یکی از شخصیت‌های کلامی، فقهی، تفسیری، زهد و تصوف و عرفان در تاریخ اسلام شناخته شده است. اغلب مولفین اسلامی ۲۱ هجری را سال تولد او ذکر کرده‌اند. نقل است که چون حسن به دنیا آمد او را نزد عمر آوردند. عمر گفت:

(سموه حسنا فانه حسن الوجه)،^۲ او را حسن نام کنید که نیکو روی است.

نام پدرش را «فیروز» نوشته‌اند که ساکن دشت میشان در خوزستان بوده است.^۳ حسن بصری درباره پدر و مادرش چنین می‌گوید: پدر و مادرم هردو برده بودند. صاحب آنها مردی از بنی نجار بوده است آن مرد همسری از خاندان سلمه انصار گرفته و پدر و مادر مرا به عنوان مهریه نزد او راند. آن زن هردو را آزاد کرد و رشته ولای ما به همان زن است،^۴ یکی از نکات قابل توجه درباره حسن بصری غیر عرب بودن اوست. مولفین اسلامی معتقدند که پدر حسن بصری از اسرای دشت میشان بوده است. ابن اثیر در این باره می‌گوید: بعد از کشته شدن هرمز در جنگ مذار، پادشاه ایران، قارن بن قریاس را فرستاد او وقتی به مذار رسید با فراریان سپاه هرمز به همراه قباد و انوشجان منطقه «ثنی» را میدان جنگ قرار دادند و خالدبن ولید آنها را پی کرد و در آن محل با آنها مواجه شد. در این واقعه قارن و سی هزار ایرانی کشته شدند و در میان اسرای این جنگ پدر حسن بصری هم بود. وی ادعا می‌کند که پدر حسن مسیحی بوده است.^۵ البته این احتمال وجود دارد که وی از اسرای جنگ با اعراب بوده باشد و گرنه اجازه ورود به شهر مدینه را به او نمی‌دادند. مادرش «خیره» نام داشته، و خدمت کار ام سلمه

۱- تصوف و ادبیات تصوف، ص ۸

۲- تذکره الاولیاء، ص ۲۹.

۳- فتوح البلدان، ص ۴۲۸.

۴- سیر اعلام النبلاء، ص ۴۵۷/۵.

۵- الکامل فی تاریخ، ص ۱۲۴/۲.

همسر پیامبر بوده است.^۱ حسن در « وادی القری » بزرگ شد و سپس در سال ۳۷ هجری به مدینه بازگشت و در سال ۳۸ به بصره رفت. وی به مدت سه سال در جنگ‌های کابل، اندقان، زابلستان در شرق ایران تا سال ۴۳ هجری شرکت داشت. پس از آن به بصره بازگشت و در آنجا مستقر شد.^۲ اگر چه شواهدی وجود دارد که حسن بصری از سنین نوجوانی دارای اندیشه‌های زاهدانه و مستقل بوده است اما از این دوره به بعد است که زندگی پر فراز و نشیب وی آغاز می‌شود.

زهد

«زهد به ضم در لغت به معنی پارسایی و تقوی و ترک دنیا است و در اصطلاح اهل حقیقت عبارت است از دشمن داشتن دنیا و اعراض از آن. گفته‌اند ترک آسایش دنیا ست برای رسیدن به آسایش آخرت.

و گفته‌اند زهد آن است که دلت را از آنچه از دستت خارج است پاک و خالی داری»^۳.
زهد سه حرف است: زا و ها و دال، زا، ترک زینت است، و ها، ترک هوی و دال ترک دنیا؛

اما از بهترین سخنانی که درباره زهد گفته شده سخن حسن بصری است: زهد در دنیا نه تحریم حلال است و نه تباه کردن مال، بلکه زهد آن است که بدانچه در دست خداست مطمئن تر باشی از آنچه در دست توست و دیگر آن که اگر به مصیبتی دچار شوی به ثواب آن راغب تر باشی تا آرزوی گرفتار نیامدن بدان.^۴ با مطالعه تاریخ دوره‌های اولیه اسلامی با نوعی زهد عملی روبه رو هستیم. اغلب کسانی که در این دوره زاهد نامیده می‌شوند افرادی هستند که ترک دنیا و اهل دنیا گفته، از لذایذ مادی و دنیوی کناره‌گیری کرده‌اند که شاید از آن به زهد

۱- وفيات الاعیان، ص ۳۵۴/۱.

۲- وفيات الاعیان، ص ۳۵۴/۱.

۳- شرح اصطلاحات تصوف، ص ۱۷۴/۵.

۴- تذکره الاولیاء، ص ۴۷۰.

۵- فرهنگ اشعار حافظ، ص ۲۷۴.

عملی بتوان تفسیر کرد. نخوردن و نخفتن و همه لذا یذ طبیعی و نفسانی را بر خود حرام کردن از ویژگی‌های این نوع زهد اولیه است.

البته قبل از ظهور تصوّف زاهدانه ی اسلامی به عنوان یک مسلک این شیوه در طول تاریخ دارای زمینه فرهنگی، اجتماعی و مذهبی در میان ملل و اقوام مختلف بشری بوده است. هزاران سال پیش از مسیحیت تصوّف میترائیسم یا مهر پرستی در سراسر آسیا و اروپا گسترده و شناخته شده بود. خود مسیح در دامن عرفان و تصوّف مهرپرستی بالید در شرح حال زرتشت آمده: وی خانه و کاشانه خود را رها کرد و به کوه سیلان پناه برد و انزوا و گوشه نشینی اختیار کرد. عزم جزم کرد تا آن قدر در آنجا به تفکر و ریاضت پردازد تا راه رستگاری و نجات را بیابد. در آن هنگام بیست سال بیش نداشت، ده سال گذشت تا اهورا مزدا کتاب را به او سپرد.^۱

غنی به نقل از تلبیس ابلیس ابن جوزی می نویسد:

«در زمان حضرت رسول اکرم نسبت مردم به ایمان و اسلام بود و گفته می شد (مسلم) و (مومن) بعد اسم زاهد و عابد پیدا شد. اقوامی پدیدار شدند که دل بستگی آنها به زهد و تعبّد به مقامی بود که از دنیا کناره گرفتند و کاملاً خود را وقف عبادت کردند و طریقه خاصی به وجود آوردند»^۲ نقش زهد در تثبیت بنیان اولیه تصوّف نقشی غیر قابل انکار است. رویکرد جسورانه‌ای که حسن بصری در قرن اوّل هجری نسبت به اندیشه‌های زهد و صوفیانه داشت در کنار پافشاری بر اهمیّت شرع و سنّت و کاربرد موجزانه زبان در حد عالی باعث شد که او را از نخستین صوفیان اسلامی به شمار آورند.

حسن بصری آغازگر تصوّف زاهدانه

اگر چه یکی از دشوارترین موضوعات در نزد محققان تاریخ زهد و تصوّف فرض و تصور نقطه‌ای است به نام نقطه آغاز زهد و تصوّف و شاید به زعم برخی چنین نقطه ای وجود تحقیقی نداشته باشد، اما اگر موضوعی به نام زهد و تصوّف اسلامی مفهوم تاریخی و علمی

۱- ادیان بزرگ جهان، ص ۱۹.

۲- بحث در آثار و افکار حافظ، تاریخ تصوّف در اسلام، ص ۲۵.

داشته باشد که به عقیده بنده دارد. بی‌هیچ تردیدی باید بپذیریم که حسن بصری برجسته‌ترین چهره تصوف زاهدانه در قرن اول و دوم هجری است. و دور از روش محققانه نخواهد بود که حسن بصری را آغازگر دوره تشخیص جریانی موسوم به مکتب زهد صوفیانه یا تصوف زاهدانه بنامیم. روش سلوک زاهدانه وی در حقیقت همان اصولی است که بعدها بزرگان صوفیه و پارسایان در سده‌های بعدی آن‌گونه زیستن را الگوی خویش در سیر و سلوک صوفیانه قرار دادند.

زبان زهد و صوفیانه حسن بصری

زبان زهد و صوفیانه حسن بصری از هر گونه مفهوم از پیش ساخته شده‌ای عاری است. در سخن بسیاری از زاهدان بزرگ آمیختگی گفتار با معارف قرآنی و حدیثی و حتی کلامی و گاه فلسفی نشان از آن دارد که این اندیشه یک چند دست به دست گشته تا به این شکل در آمده است ولی اقوال حسن بصری همانند چشمه‌ای روان سراپا طراوت و زیبایی است. او در گفتارش هم حقیقتی ژرف را به مخاطب خویش منتقل می‌کند و هم ظاهری هنری دارد. در تعالیم خود از تعبیری با ایجاز و حذف و کلام قصار رمزی و عرفانی استفاده می‌کند که بیشتر یادآور شیوه بیان صوفیانه است.

وقتی عمر بن عبدالعزیز نامه‌ای به او نوشت و از او خواست مرا نصیحتی کن کوتاه، چنان که یاد گیرم و آن را امام خود سازم. وی این‌گونه نوشت که: «چون خدای عزوجل با تو است بیم از که داری؟ و اگر خدای با تو نیست امید به که داری؟»^۱

فصاحت و بلاغت وی در اوج پرواز است. دریغ که این آزاد مرد صوفی مسلک همچنان ناشناخته باقی مانده است. ژرفای اندیشه‌های معرفت شناسانه وی بی‌گمان از نقاط قوت و قدرت اوست. جوهر روح حسن بصری در سراسر گفتارهایش ساری و جاری است. بدون تردید تبیین و تحلیل دیدگاه‌های وی در عین شیرینی و دلنشینی کاری دشوار است. چون زهد یک مقوله فردی و نوعی تزکیه نفس و ارتباط با خداست و درون گرایی در آن متجلی است یا حداقل تفسیر و برداشت ما از آن چنین است. سخنان حسن بصری در زمینه زهد و تصوف که

۱- تذکره الاولیاء، ص ۳۵.

اولین بار توسط وی برای مردم بازگو می‌شد موجب گردید که پس از مدتی بزرگان صوفیه او را از صوفیان معتبر بشمارند و اکثر سلسله‌های صوفیه پیش کسوتی او را در تصوف پذیرا باشند.

اصول زاهدانه حسن بصری

زهد حسن بصری اساساً با سیروسلوک باطنی و تهذیب و دنیا‌گریزی و انقطاع از برون و اتصال به درون و رهایی از خلق و وصل به خالق است و یا دست کم چنین برداشتی از آن در اذهان وجود داد. موضوع بندی و روشمند کردن اندیشه‌های زاهدانه و صوفیانه وی و قابل دسترس سازی آن با ادبیات و قالب‌های روز آمد یک رسالت مهم و ضرورت عقلی و علمی است.

حسن بصری، فقیه زاهد و عابد و پارسا بود و نسبت به ظواهر زندگی و دنیا، بی اعتنا بود. اصول فکری زاهدانه او را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

باور به حداقل بهره مندی از دنیا و پارسایی به روش پیامبران در زندگی.

بیزاری از دنیا و سرزنش آن.

فراخوانی به زهد و پرهیز گاری.

توصیه به دوری گزیدن از حاکمان بیدادگر و عدم رغبت به مناصب دولتی و حکومتی.

تذکر به حسابرسی نفس و عمل به مسئولیت انسانی در زندگی دنیایی.

توصیه به برطرف کردن عیوب خود، پیش از امر به معروف و نهی از منکر.

تاکید به پرهیز از برداشت‌های انحرافی از قرآن و عدم تأویل قرآن برای منافع شخصی.

دعوت همگانی برای ایجاد صلح بین مسلمین و ترویج مهربانی و وفای به عهد و صله

رحم. البته آنچه مزبور افتاد گزیده ای از اصول فکری و سلوک زاهدانه شیخ حسن بصری بود

که هر بند از این اقوال با توجه به سخنان فراوانی که از وی منقول است می‌تواند سرلوحه

تحقیق و پژوهش جدیدی باشد.

از نگاهی دیگر می‌توان شیوه سلوک زاهدانه اش را در سه بعد مورد بررسی قرار داد:

۱. زهد عملی

این شیوه همان است که در ابتدای این مقال درباره آن سخن گفتیم و اغلب زاهدان اولیه

چنین شیوه ای را اتخاذ کرده بودند آنان با ترک لذایذ مادی و صرف اوقات خود به ذکر و

دعا و کناره‌گیری از دنیا و امساک در خوردن و پوشیدن در بین مردمان شناخته شده بودند. دوره اول زهد حسن بصری از این حیطة فراتر نمی‌رود. آموزش‌های او اساساً بر زهد عملی مبتنی بوده و لازم است همه آثار او در پرتو رساله «الزهد» خوانده شود. در این اثر حسن بصری کاربرد عملی تعالیم خود را آشکار می‌کند.

۲. زهد سیاسی

اگر اعتزال را به معنای کناره‌گرفتن و زهد را به معنای ترک دنیا و گوشه‌نشینی باهم مترادف بدانیم البته با اندکی تسامح، می‌توان نوعی زهد سیاسی را در افکار و اعمال حسن بصری اثبات کرد. زیرا حسن همواره خود را از سیاست و آشفتگی‌های روزگار دور نگاه می‌داشت. وقتی درباره جنگ با حجاج ستمگر از او سؤال کردند وی پاسخ داد: نظرم این است که با او نجنگید! زیرا اگر چیره شدن این زورگو بر شما عذابی از سوی خدا بوده باشد، نمی‌توانید عذاب خدا را با شمشیرتان دفع کنید. و اگر بلایی است، پس صبر کنید که خداوند خود حکم کند.^۱ حسن به خوبی می‌دانست حاکمان ستمگر اهل دلیل و حرف نیستند و در برابر حرف حق با شمشیر و قتل و شکنجه به مقابله بر می‌خیزند و با داشتن نیروی نظامی، تنها راه باقی مانده کناره‌گیری و انزوا‌گزینی است و گاهی این شیوه برنده‌تر از اثر شمشیر عمل می‌کند. بی‌اعتنایی به حاکمان و عدم مخالفت با آنان بدترین و قاطع‌ترین شیوه مقابله با آنان است که حسن بصری در دوره خود به خوبی از عهده این امر برآمد و می‌توان او را مبدع نوعی زهد سیاسی به شمار آورد.

۳. زهد نظری (اندیشه)

مقصود از زهد نظری در این بخش دوری جستن و کناره‌گرفتن از اندیشه دنیوی است و اتفاقاً به نظر بنده نقطه قوت حسن بصری در زهد در همین پاکی اندیشه و تفکر معرفت‌شناسانه اوست. نوع نگاه وی به دنیا و اندیشه زاهدانه اش در نکوهش امور دنیوی یکی از عوامل اصلی زهد وی می‌باشد. و همین اندیشه و معرفت اوست که مورد توجه صوفیان بعدی واقع شده او را به عنوان پیشرو تصوف به شمار آورده‌اند.

۱- تاریخ تصوف اسلامی از آغاز تا سده دوم، ص ۱۸۵.

"همیلتون گیپ"، حسن بصری را عالی‌ترین نمونه اولیه زهد اسلامی می‌داند که تا امروز هم در عالم اسلام ذکر خیری از او باقی است. زهدی که بر اساس آن هرکس با ترس از کیفر جاویدی که در پیش رو داشت به دنیا جز سرای سپنج نمی‌نگریست و با حسی عمیق از مسئولیتی خطیر که هر یک از مظاهر دنیا دارد از آنها بهره می‌جست.^۱

زمینه‌های زهد و تصوف در اندیشه حسن بصری

در این بخش به دنبال عواملی هستیم که در سده نخستین اسلامی زمینه ظهور بیش از حد زهد و پارسایی را در اندیشه مسلمانان راستین فراهم ساخت. قبل از ورود به بحث و مطالعه جوانب امر بر این باور بودم که شاید چهار، پنج عامل در بروز زهد افراطی در قرون اولیه اسلامی دخیل بوده‌اند. اما اکنون با اطمینان می‌توان گفت عوامل فراوانی در این امر دخالت داشته و زمینه را برای زاهدان نخستین آماده کرده و در ترغیب آنان به زهد و پارسایی موثر بوده است. ضمن طبقه بندی این عوامل به صورت گذرا درباره هر یک سخن خواهیم گفت.

در یک تقسیم بندی کلی زمینه‌های زهد را در دو بخش اسلامی و غیر اسلامی بررسی می‌کنیم. اگر چه این طبقه بندی ممکن است از نظر برخی کاملاً پذیرفته نباشد. آن چنان که زرین کوب معتقد است: این میل به زهد و پارسایی مسلمانان و این ذوق اعراض از لذات و شهوات که در دوره ای در بین طبقه مسلمانان پدید آمده، از تعالیم قرآن و سیره رسول اکرم سرچشمه گرفته و اخذ و اقتباس از شیوه فقرای عیسوی و سایر مذاهب اگر هم صورت گرفته در دوره‌های بعد بوده است نه در اوایل اسلام. نهایت اینکه زهد اسلامی اساساً زهدی معتدل بوده و آن افراطی که در این باب بین رهبانان عیسوی و جوکیان هندی متداول بود نزد مسلمانان غالباً بکلی نامقبول شمرده می‌شد.^۲

زمینه‌های غیر اسلامی زهد و تصوف

غنی معتقد است در کتاب‌های تذکره صوفیان سده نخست مکالمات و مفاوضات بسیاری بین مسلمانان زاهد و ناسک با مرتاضان مسیحی پیش آمده، که از مجموع آن گفتگوها می‌توان

۱- بررسی تاریخ اسلام، ص ۱۴۷.

۲- میراث صوفیه، ص ۴۵.

تاثیر رفتار و گفتار راهبان مسیحی را در اعمال و رفتار صوفیان نخستین استنباط کرد. ^۱ با مطالعه زندگی پیامبر و صحابه نزدیک وی چنین به نظر می‌رسد که بذر و جوانه‌های زهد پیش از اسلام در میان مردم عربستان موجود بوده است. زندگی چادرنشینی در صحرای عربستان، آنان را در جمع آوری وسایل و اسباب زندگی مانع می‌شد زیرا در زندگی صحرائنشینی هرچه سبک بار باشی در حرکت و نقل مکان آسوده تر خواهی بود. هم چنین عدم امنیت در دوران بدوی جاهلی یکی دیگر از عواملی بود که مردم عربستان را از جمع آوری ثروت مانع می‌شد. وجود راهبان مسیحی و دیگر زاهدان آن آیین که منزوی بودند برای اعراب جاهلی و بت پرست آن روزگار نمونه‌های اعلای زهد به شمار می‌رفتند. چنان که گروهی از اعراب به نام (حنفاء) پیش از بعثت پیامبر اکرم به یگانه پرستی نزدیک شده بودند و برخی از آنها زهد و مجاهده نفس را پیشه خود کرده، از خوردن برخی خوردنی‌ها امساک می‌کردند و حضرت رسول اکرم (ص) با برخی از آنها معاصر و مصاحب بوده، با دو نفر از آنان خویشاوندی سببی و نسبی داشت. ^۲ چنان که ابن - سیرین، پشمینه پوشی را که در میان صوفیان نخستین رسم شد تقلیدی از پیروان عیسی تلقی می‌کرد و می‌گفت بهتر آن است که شیوه پیغمبر خویش را پیش گیرم و جامه پنبه یی پوشم. پشمینه پوشی در نزد بیشتر ملل و اقوام جهان نشانه‌ای از زهد و پارسایی بود در قرن نخستین برای ذکر گفتن اسم‌هایی برپای داشتند که در آن دعاها و وردهای خاصی می‌خواندند آنان ذکر را از ارکان دین و اساسی ترین رکن عبادت می‌شمردند چنانچه قشیری می‌گوید: « ذکر، رکنی قوی است اندر طریق حق سبحانه و تعالی و هیچ کس به خدای تعالی نرسد مگر به دوام ذکر »، ^۳ تیکلسن، معتقد است زاهدان نخستین در اسلام در این مورد نیز از زاهدان مسیحی تقلید کرده‌اند. همچنان که گلدزیهر در مقاله ارزشمند خود درباره پیدایش تصوّف در سده‌های نخستین همین موضوع را مطرح کرده است. ^۴

۱- تاریخ تصوّف در اسلام، ص ۷۲.

۲- پیدایش و سیر تصوّف، ص ۱۰۲.

۳- ترجمه رساله قشیری، ص ۱۰۱.

۴- پیدایش و سیر تصوّف، ص ۱۱۵.

گفته‌اند که مجالس ذکر در عهد خلفای اموی شکل گرفت و گویا حسن بصری این مجالس را اداره می‌کرد و مردمانی که علاقه به عزلت و انزوا داشتند و یا از شنیدن وعظ واعظان بی‌عمل و حرفه‌ای ملول شده بودند در مجالس ذکر حسن بصری که متأثر از مجالس زاهدان مسیحی بود شرکت می‌کردند.

توکل یکی دیگر از مبانی زاهدان نخستین اسلامی بود آنان برای تأمین معاش از زهد و عبادت دست بر نمی‌داشتند زیرا با اعتقاد به خزائن آسمانی که در قرآن از آن یاد شده بر این باور بودند که اگر خدا بخواهد از فضل خود به آنها بهره‌ای عنایت می‌کند که این درست با عبارت باب ششم انجیل متی شباهت دارد:

«به شما می‌گویم از بهر جان خود اندیشه‌مکنید که چه خورید یا چه آشامید و نه برای بدن خود که چه پوشید آیا جان از خوراک و بدن از پوشاک بهتر نیست. مرغان هوا را نظر کنید که نه می‌کارند و نه می‌دروند و نه در انبارها ذخیره می‌کنند و پدر آسمانی شما آنها را می‌پروراند آیا شما از آنها به مراتب بهتر نیستید؟»^۱ او حسن بصری با الهام از سخنان زاهدان مسیحی است که این چنین از زهد حضرت عیسی تمجید کرده می‌گوید:

«که عیسی جامه موپین پوشیدی و پوست درختان خوردی و هر جا که شب درآمدی هم آنجا بختی». ^۲ عطار درباره ورود حسن بصری به تصوف و توبه او داستانی از دیدار وی با بزرگان و عالمان دیار روم نقل کرده است و از جواهر فروشی او در دیار روم سخن گفته است. اگر چه بسیاری از حکایات عطار جنبه احساسی و عاطفی دارد و نمی‌توان به عنوان سند تاریخی بدان استناد کرد، ولی حکایت از رابطه حسن بصری با مسیحیان دارد و به یقین کسی که مدتی در سرزمین مسیحیان به کسب و کار مشغول بوده نمی‌توانست از باورهای آنان تأثیر نپذیرد. تا جایی که عطار می‌نویسد: حسن بصری در اثر دیدن و زیارت قبر فرزند پادشاه روم و تأثیر آن، از روم به بصره برگشت و سوگند خورد «که در دنیا هرگز نخندد تا عاقبت کارش معلوم شود و خود را چنان در انواع مجاهدات و عبادات برنجانید که در زمان او کسی

۱- تاریخ تصوف در اسلام، ص ۷۲.

۲- حسن بصری، ص ۱۸۴.

را ممکن نبود بلای آن ریاضت کشیدن^۱. آنچه مطرح شد خوشه ای بود از خرمنی، با این وجود معلوم نیست چگونه محقق و ادیب بزرگی چون دکتر زرین کوب از کنار این همه تاثیر پذیری و شباهت‌ها، بی تفاوت عبور کرده، مدعی شده‌اند زاهدان نخستین اسلامی از دیگر ملل و عیسویان تاثیر نپذیرفته‌اند.

البته این تاثیر پذیری زاهدان مسلمان منحصر به زاهدان مسیحی نیست بلکه زاهدان صدر اسلام راهبان جهانگرد بودایی یا کسانی را که روش ایشان را از لحاظ زندگی و یا تفکر پذیرفته بودند می شناختند. جاحظ، طریقت این افراد را بر چهار اصل استوار دانسته است: قداست، طهارت، صداقت و مسکنت یا همان فقر. دکتر «طه حسین»، براین باور است که تصوف اسلامی متأثر از مذهب هندی است که نزد رواقیان و حکیمان مکتب اسکندریه رنگ یونانی گرفته و در زمان خلافت بنی عباس لباس اسلامی به خود پوشیده است،^۲ کوتاه سخن اینکه نحوه زیستن، گوشه گیری و بیان حسن بصری یاد آور اصولی است که عارفان مسیحی، هندی و بودایی در پیش گرفته و بدان اصول پایبند بوده‌اند. اما این بدان معنا نیست که زهد و تصوف زاهدانه اسلامی در تمامی اصول و شیوه‌های سلوک، زمینه‌های غیر اسلامی دارد، بلکه وجود اشتراکات و شباهت‌ها حکایت از مبادله اندیشه‌ها، باورها و عقاید و تاثیر پذیری از یکدیگر در روزگار کهن دارد.

زمینه‌های اسلامی زهد و تصوف

سده اول اسلامی از نظر وجود عواملی که مسلمانان را به زهد و ناچیز شمردن دنیا فرا می خواند بسیار متعدد و بی شمار است اما جهت سهولت در بیان و جلوگیری از اطاله کلام این زمینه‌ها را در دو گروه عمده تقسیم بندی کرده، به شرح و تحلیل آن می پردازیم.

الف) زمینه‌های اجتماعی زهد و تصوف ب) زمینه‌های اعتقادی زهد و تصوف

الف) زمینه‌های اجتماعی زهد و تصوف اسلامی

۱- تذکره الاولیاء، ص ۳۰.

۲- تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۲۴۹.

بی شک یکی از عوامل بروز زهد و تصوف اسلامی در قرون اولیه که در افکار مسلمانان راستین مؤثر واقع شد، عوامل اجتماعی بود. علت‌های اجتماعی بروز زهد و تصوف را می‌توان در چند بند توضیح داد:

۱. بروز تبعیض و افراط در تعصب و خشونت احزاب سیاسی

از زمان کشته شدن خلیفه سوم، میان مسلمانان اختلافاتی بروز کرد و فتنه‌هایی برخاست و خون مسلمانان به دست خودشان که حاکی از تعصب و نادانی‌ها و خشونت‌ها بود در جنگ‌هایی چون، جمل، صفین و نهروان ریخته شد. در این میان کسانی بودند که از هیچ گروهی تبعیت نکردند و به گوشه‌ای پناه بردند و صلاح در زهد و عبادت دیدند. حسن بصری یکی از این زهاد است که با اندیشه‌های صلح جویانه تمام همّت خود را در جهت صلح و آرامش طرفین به کار بست و از ورود به جنگ به نفع و ضرر هر دو طرف امتناع کرد. اگرچه در مواعظ و اقوال او بارها به حقانیت امیر مؤمنان اشاره شده، اما تقیه موضوعی است که حسن بصری سخت بدان معتقد بوده است. به همین خاطر کم کم اندیشه بازگشت به زمان پیامبر و خلیفه اول در ذهن‌ها جای گرفت و چون این خواست مسلمانان یعنی اجرای عدالت نتیجه نداد «زهدگرایی» به شیوه افراطی خود را نشان داد و به مرور زمان متداول شد.

۲. آزار و اذیت مسلمانان مخلص و صحابه به دست عمال ستم پیشه

ابوذر غفاری یکی از صحابه بود که شدیداً مسلمانان و حکام ثروت اندوز را مورد حمله قرار داد وی در این مبارزه با معاویه درگیر شد. استناد ابوذر به آیه‌های ۳۴ و ۳۵ سوره توبه بود که: «الذین یکنزون الذّهب و الفضة و لا ینفقون فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم...» «بنی امیه با حکم عثمان، ابوذر را به ریزه تبعید کرد و به مرگ تهدید کرد. ابوذر اعلام کرد: حالا که امویان مرا به فقر و قتل تهدید کرده اند زیر زمین برایم از روی زمین گواراتر است. و فقر برایم دوست داشتنی تر از ثروت است. در سخنانی که از نظر گذشت برخورد شدید و به ناحق با صحابه کم کم اولین نشانه‌های گریز از دنیا و تفکر اهل معرفت را فراهم کرد و این عامل به مرور زمان گسترش یافته، اساس تصوف زاهدانه را فراهم نمود.

۱- تاریخ تصوف اسلامی از آغاز تا سده دوم، ص ۱۷۲.

۳. سست شمردن احکام دینی و مسائل اخلاقی توسط حکام و دیگر پیروان اسلام

اگرچه اسلام دین صلح و برابری بود جز در صدر اسلام، که این اصل رعایت می‌شد متأسفانه در گستره تاریخی اسلام به این اصل اخلاقی اعتناء نشد. به ویژه در زمان بنی امیه سیاست عربی محض به همراه تحقیر و خوار شمردن غیر عرب بر خلاف نص آیه «انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبایل لتعارفوا.» (سوره حجرات، آیه ۱۳) حاکم بود. همین اهانت‌ها بر ملل غیر عرب و عدم اعتنا به احکام دینی و منشور اخلاقی اسلام باعث شد، عده‌ای راه مقابله با این امر را در پیش بگیرند و چون قدرت مقابله نظامی نداشتند انزوا و گوشه نشینی را برگزیدند و به امر معروف و نهی از منکر حاکمان مستبد اقدام نکردند از جمله این بزرگان حسن بصری است. چنان که به حسن بصری گفته شد: چرا بر حاکمان وارد نمی‌شوی و آنان را امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنی؟ حسن پاسخ داد: مؤمن حق ندارد خود را کوچک و حقیر کند. چون شمشیرهای آنان بر زبان‌های ما پیشی گرفته است. هرگاه با آنان در این باره سخن بگوییم، با شمشیر پاسخ خواهند داد.^۱

۴. رغبت به دنیا و ثروت اندوزی برخی حکام و صحابه

در اثر فتوحات و به دست آوردن غنائم سرشار جنگی و گسترش حکومت اسلامی و بهبود وضع مالی مسلمانان، در کام عده‌ای سست ایمان زمینه برای انحراف از صراط مستقیم فراهم شده بود. اولین نمود این انحراف بر سر جانشینی پیامبر رخ داد و همان گونه که پیامبر پیش بینی کرده بود. فتوحات و ثروتی که نصیب مسلمانان شد آنان را متمایل مظاهر فریبنده دنیوی کرد. حتی آنانی که از اصحاب رسول خدا محسوب می‌شدند آلوده این جاه طلبی و ثروت اندوزی شدند و در زمان خلافت عثمان تجاوز به اموال عمومی و فساد هیئت حاکمه، جامعه اسلامی را به ورطه سقوط سوق داد. عکس العمل این انحراف این بود که عده‌ای به خیال خود برای اینکه خویشان را از آلودگی‌ها و فساد و دنیا پرستی حفظ کنند از حکومت و از مردم کناره گرفته و به زهد و ترک دنیا پناه بردند. عبدالله بن عمر و حسن بصری برای اینکه تن به بیعت کسی ندهند و از عواقب آن برکنار باشند به حدیثی از پیامبر تمسک جستند، که فرموده

۱- تاریخ تصوف اسلامی از آغاز تا سده دوم، ص ۱۸۵.

است: در فتنه‌ها خانه نشینی بهترین راه نجات است. گوشه‌گیری و زهد را اختیار کردند. و به عبادت و ریاضت و مذمت دنیا مشغول شدند.^۱

تأمل در آراء و افکار و عقاید زاهدان این عصر حقایقی را تبیین می‌کند. غنی می‌نویسد: در دوره حکومت امرای ظالم اموی برخی از مسلمانان به حدی دچار نفرت و انزجار شدند که تحمل زندگی در جامعه آن زمان را نداشتند این دوره وحشت‌انگیز تا سقوط امویان ادامه داشت. حسن بصری و امثال او را باید نمونه‌ای از متعبدین و زهاد دوره اموی به حساب آورد که پیشروان صوفیه قرن بعد محسوب شدند. به طوری که از تحقیق در احوالات آنها مشخص می‌شود اینان تحت تأثیر عوامل اجتماعی، مخصوصاً رواج ظلم و ستم از دنیا کناره‌جسته به تصفیه خود پرداختند.^۲ حاصل سخن اینکه زهد افراطی پس از بروز فتنه قتل خلیفه سوم و شهادت حضرت علی (ع) زمانی که بنی امیه و بنی عباس بر سر کار آمدند شروع شد. چون زهد و قناعت حاصل از زندگی پیامبر (ص) جای خود را به لهو و لعب و عیش و نوش داد. در این زمان زاهدانی پیدا شدند که به همان اندازه که دیگران به ثروت اندوزی، لذت‌جویی و تبعیض و برخورداری از متاع دنیا اهمیت می‌دادند، اینان به زهد و فقر بیشتر اصرار می‌کردند که حسن بصری برجسته‌ترین شخصیت در زهد نمایانگر روحیه عصر و روزگار خویش است.

ب) زمینه‌های دینی و اعتقادی زهد و تصوف

اگرچه سده اول «زهد» از روش یا نظامی خاص پیروی نمی‌کرد اما این دوره در شرح پاره‌بی از عقاید و مفاهیم قرآنی ممتاز است. این گونه شرح‌های مفاهیم قرآنی از نظر گاهی خاص بوده، و به همه جنبه‌های آن توجه نشده است ولی در ریشه‌یابی زهد و تصوف حائز اهمیت است. در این بخش سعی می‌شود تأثیر‌پذیری زهد از تعالیم دینی به شیوه‌ای روش‌مند تبیین شود پژوهش حاضر شروع مجددی است که امید می‌رود به بازتعریف مفهوم زهد و رابطه آن با تصوف بیانجامد.

۱. زهد در شیوه زندگی رسول اکرم (ص)

۱- پژوهش در پیدایش و تحولات تصوف و عرفان، ص ۱۳۵.

۲- تاریخ تصوف اسلام، ص ۲۲.

صوفیان معتقدند که زهد یک روش ابداعی صوفیانه نیست بلکه رفتار و کردار و شیوه زندگی رسول اکرم (ص) است. اخباری که در کتاب‌های تاریخ و سیر از پیامبر نقل شده است دلیل بر زهد و پارسایی آن حضرت است و زاهدان اولیه تأکید دارند که زندگی پیامبر را سرمشق و الگوی خود قرار داده‌اند. در مکه سیرت پیغمبر تا حدی مطابق با اصول زهد بود و گاه مستغرق در عزلت و تفکر می‌شد و از دنیا می‌برید و به عبادت مشغول می‌شد. روی هم رفته کردار پیامبر در مدینه نیز مثل مکه مبتنی بر قناعت و زهد بود.^۱ حسن بصری در خطابه‌ای برای دعوت به زهد ورزیدن در دنیا گوشه‌هایی از زندگی پیامبر را به تصویر می‌کشد از جمله یادآور می‌شود که پیامبر (ص) برای ساختن خانه خشتی بر خشتی و چوبی بر چوبی نهاد.^۲

نقل است حضرت فاطمه با تکه نانی خدمت پیامبر رسید پیامبر فرمود: ای فاطمه این تکه نان چیست؟ فاطمه گفت: گرده نانی است که پخته ام و از گلویم پایین نرفت تا که این تکه را برای شما آوردم. پیامبر فرمود: بدان! که این نخستین غذایی است که پس از سه شبانه روز در دهان پدرت قرار می‌گیرد. نیز از ابوهریره نقل است که گفت: یک روز در حالی که عایشه برایم حدیث می‌خواند، به گریه افتاد، گفتم: چرا گریه می‌کنی؟ گفت: گرسنه بودم خواستم بگیریم، ولی به یاد رسول خدا افتادم که همیشه گرسنه بود پس گریستم^۳ با توجه به موارد یاد شده، این حکایت از زندگی زاهدانه پیامبر اکرم دارد. در حالی که پیامبر قادر بود در رفاه و آسایش کامل زندگی کند. صوفیه معتقدند پیامبر این گونه زیستن را در پیش گرفته بود تا سرمشق مسلمانان باشد و شیوه اخلاقی زاهدانه را به پیروان خود بیاموزد. از همین جاست که حسن بصری دیگران را به کم خوردن و فقر فرا می‌خواند و همه بدبختی آدمی را در طمع می‌داند. وی با تأسی از قناعت پیامبر گفته است: هر آدمی که قناعت کرد بی نیاز شد و چون از خلق عزلت گرفت سلامت یافت و چون شهوت زیر پای آورد، آزاد گشت.^۴ و در موعظه‌ای

۱- میراث صوفیه، ص ۴۴.

۲- حسن بصری گنجینه دار علم و عرفان، ص ۳۹۴.

۳- طبقات الکبری، ص ۴۰۰/۱.

۴- تذکره الاولیاء، ص ۴۱.

به یکی از اصحابش می‌گوید: بدان که دنیا خانه عمل است که هر که در آن به هزینه اندک و زهد بنشیند خوشبخت می‌شود و از مصاحبتش لذت می‌برد و هر که با رغبت و محبت با آن مصاحب شود بدبخت می‌گردد.^۱ وقتی زهد و نکوهش دنیا داری و بیزاری از وابستگی به مادیات را در سنت پیامبر اکرم مشاهده می‌کنیم ناخود آگاه شباهت تفکر و شیوه زندگی زاهدان با رسول اکرم (ص) آشکار می‌شود.

۲. اهل صفه و صحابه پیامبر زمینه ساز زهد و تصوف

اهل صفه گروهی بودند که یاد حق، آنان را از توجه و تعلق خاطر به هر چیز دیگر دور کرده و آنان را الگویی برای فقیران قرار داده بود، چنان که زاهدان و اهل تصوف در دوره‌های بعد آنان را سرمشق روش زندگی خود قرار دادند، اهل صفه به زن و زندگی و مال پناه نبردند و دارایی و کسب کارشان آنان را از یاد خدا باز نداشت، و تنها به چیزی خوشحال می‌شدند که به آخرتشان سودمند بود.^۲ اینان مردمی فقیر بودند که غذای آنها را مسلمانان توانمند تامین می‌کردند. پیامبر خدا اصحاب صفه را دوست داشت و به دیدار آنان می‌رفت. آنها از صحابه خاص و نزدیک پیامبر به شمار می‌آمدند. حسن بصری در توصیف اصحاب رسول خدا که در زهد کامل زندگی می‌کردند در پاسخ به سوال فردی که از او صفات اصحاب رسول خدا را جویا شده بود. ابتدا گریست و گفت: نشانه‌های خیر در چهره‌هایشان آشکار بود و وضع ظاهر آنها عبارت بود از هدایت، راستی و خشونت لباس آنان از نظر اقتصاد و مشی آنان به فروتنی و منطق آنان با عمل و طعام و آشامیدنی آنها از روزی پاکیزه و خضوع آنها به طاعت برای پروردگارشان و نظر داشتن به حق در آنچه دوست داشتند یا زشت می‌شمردند و ادای حق از جانب خویشتن. چهره‌هایشان تکیده و جسم‌های آنان لاغر بود و در قبال غضب مخلوق برای رضای حق خود را حقیر می‌شمردند. در غضب زیاده روی نمی‌کردند و در ستم حیف نمی‌ورزیدند و از حکم خدا در قرآن تجاوز نمی‌کردند. زبان‌های آنها به ذکر حق مشغول بود. هر زمان که از آنها طلب یاری می‌شد تا پای خونشان ایستادگی می‌کردند. سبکبار بودند و از

۱- حسن بصری، ص ۱۳۸.

۲- سرچشمه های عرفان، ص ۲۲۹.

دنیا برای رسیدن به امر آخرت، اندکی آنها را کافی بود.^۱ تأثیر عمیق زهد اصحاب پیامبر در کلمات و جملاتی که حسن بصری در توصیف آنها بر زبان آورده کاملاً مشخص و بی نیاز از شرح و توضیح است. وی می‌گوید: هفتاد کس از صحابه رسول را دیدم که هیچ کس جز بک جامه نداشت و هرگز میان خویش و میان خاک حجاب نکردند، پهلو بر خاک بختندی و آن جامه برخوشتن افکندندی.^۲ حسن بصری با اندیشه زاهدانه اش فعل وانفعالات معنوی را که در قرون نخستین اسلامی شکل گرفته بود بارور ساخته و نقطه اوج تصوف زاهدانه اسلامی است که پشتوانه نظری و عملی چهره‌هایی چون پیامبر (ص) و صحابه را در پشت سر دارد.

۳. وحشت و ترس از روز قیامت زمینه زهد و تصوف

نقل است که حسن بصری یک بار بر جنازه‌ای رفت. چون مرده را دفن کردند؛ حسن بر سر آن خاک نشست و چندان بگریست که خاک را گل کرد. پس گفت: ای مردمان! اول و آخر لحد است. آخر دنیا نگری، گور است و اول دنیا نگری گور است، که القبر اول منزل من منازل الآخره. پس چه می‌ناید به عالمی که آخرش این است و چرا نمی‌ترسید از عالمی که اولش این است. چون اول و آخر شما این است، ای اهل غفلت! کار اول و آخر بسازید. جماعتی که حاضر بودند، چندان بگریستند که همه یک رنگ شدند.^۳

حکایت دیگری باز حاکی از ترس و وحشت حسن از خداوند و روز قیامت است آن جا که گفت: به خدا سوگند بزرگترین چیز برای شما که به آن در طلب بهشت هستید آن است که ترس از خدای تعالی شما را به گریه اندازد.^۴ ترس از خدا نشانه شرم از گناهان و تألم از آن است و موجب نوعی انزوا و گوشه نشینی در بین مردم دانا می‌شود همچنان که خداوند می‌فرماید: « انما یخشی الله من عباده العلماء » (فاطر، ۲۸). و حسن بصری با تسلط بی نظیری که در تفسیر قرآن داشت ترس از خداوند را به عنوان اصلی برای پاک نگاه داشتن خود

۱- حلیة الاولیاء، ص ۱۵۰/۲.

۲- کیمیای سعادت، ص ۴۴۹/۲.

۳- تذکرة الاولیاء، ص ۳۵.

۴- حلیة الاولیاء، ص ۱۵۳/۲.

از آرایش‌های مادی و خشنود کردن خداوند پذیرفته بود و این همان پدیده‌ای است که بعدها از مقامات اهل یقین می‌شود.

۴. تسلط غم و اندوه و احساس گناه زمینه زهد و تصوّف

حسن بصری معتقد است: بنده مؤمن اگر گناهی بکند پیوسته از آن اندوهگین است، نقل است که شبی حسن بصری در خانه می‌نالید گفتند: این ناله تو از چیست؟ با چنین روزگاری که داری. گفت: از آن است که مبادا که از روی جهالت و بدون قصد کار خطایی کرده باشم که آن، در درگاه خداوند پسندیده نباشد. سپس به من بگویند ای حسن برو که در درگاه ما قدری نداری و طاعت تو را قبول نخواهیم کرد. شیخ مرشد، از شیخ حسن بصری روایت کند، پیغمبر (ص) گفت: رحمت خدای بر بنده ای باد که عیش دنیا برای عیش آخرت بگذارد و نان پاره خشک خورد و جامه کهنه پوشد و بر زمین بخوابد و در عبادت خدا جد و جهد کند و بر گناه خود بگرید. طلب رحمت خدای کند و از عذاب، پناه به خدا ببرد.^۱ زاهدان این دوره به سبب یادآوری گناهان خود کارهایی انجام می‌دادند و به اعمالی می‌پرداختند که شاید گناهان خود را خشتی کنند همواره نفس خود را به دلیل غفلت از اعمال عبادی و انجام کارهای خیر مذمت و سرزنش می‌کردند. حسن بصری از جمله این زاهدان است که همواره به محاسبه نفس خود مشغول بوده است.

«گلدزبهر» تعداد بی شماری از صحابه و پیروان اسلام را نام می‌برد که با رهبانیت و گوشه گیری کفاره گناهان خویش زندگی می‌کردند. «بهلول بن ذؤیب» از شمار همین‌هاست که در کنار مدینه به کوهی رهسپار شد و پشمینه پوشید و دست‌های خود را با زنجیر بر پشت بست و به گناهان خود معترف شد و فریاد کرد که: خداوندا! بهلول را درنگر که در غل و زنجیر است.^۲ عواملی که در سده اوّل هجری مسلمانان را به پارسایی و ناچیز شمردن متاع دنیوی وادار می‌نمود و به ظهور زهد کمک می‌کرد منحصر به فرد است در همین سده می‌بینیم نظر

۱- تذکرة الاولیاء ص ۳۴.

۲- حسن بصری، ص ۱۳۰.

۳- پیدایش و سیر تصوّف، ص ۱۰۶.

پیروان اسلام به سوی آخرت متوجّه می‌شود. البته بررسی وضع صحابه بیشتر این موضوع را به اثبات می‌رساند.

از دیگر عوامل عمده سوق مسلمانان به زهد و تصوّف تعالیم حیات بخش قرآن کریم است. اگرچه قرآن با روش زندگی رهبانان دیرنشین موافق نیست. اما آیاتی وجود دارد که مسلمانان را به دوری گزیدن از دنیا فرا می‌خواند.

۵. تمسّک مسلمانان به آیات قرآنی زمینه ساز زهد و تصوّف

لوثی ماسینون بر این باور است که «بذر حقیقی تصوّف در خود قرآن موجود است و این بذرها چنان فراوان است که نیازی نیست که یک مرد صوفی بر سفره دیگران نشیند و از آن جا خوشه بچیند». و می‌گوید: «هر محیط دینی که در مورد تقوی و اخلاص به پیروان خود تأکید کرده باشد صلاحیت آن را دارد که روح تصوّف در آن ظهور کند...»^۱. دین اسلام دینی است که اعتقاد به حیات اخروی یکی از ارکان مهم آن است و اعتقاد به حیات اخروی نیازمند بیهوده شمردن و ناپایدار دانستن لذات این دنیای فانی است و چون به قرآن مراجعه می‌کنیم آیات بسیاری وجود دارد که مورد استناد مسلمانان برای اعراض از دنیا و تلاش برای زندگی آن جهانی است: «اعملوا انما الحیوه الدنیا لعب و لهو و زینه و تفاخر بینکم و تکاثر فی الاموال و الاولاد کمثل غیث اعجب الکفار نباته ثم یهیج فتراه مصفراً ثم یكون حطاماً و فی الاخره عذاب شدید و مغفره من الله و رضوان و ما الحیوه الدنیا الامتاع الغرور» (سوره حدید، آیه ۱۹).

و یا در آیه‌ای دیگر: «یا ایها الذین آمنوا لاتلهکم اموالکم و لا اولادکم عن ذکر الله و من یفعل ذالک فاولئک هم الخاسرون» (سوره منافقون، آیه ۹).

در قرآن آیاتی وجود دارد که درباره ذکر و مراقبت نفس که امور مهم صوفیان بعدی است سفارش فراوان دارد. «واصبر نفسک مع الذین یدعون ربهم بالغداوه و العشی، یریدون وجهه، و لا تعد عیناک عنهم ترید زینه الحیاه الدنیا و لا تطع من اغفلنا قلبه عن ذکرنا و اتبع هواه و کان امره فرطاً» (سوره کهف، آیه ۲۸).

۱- تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ص ۲۴۴.

واژه زهد آنچنان که زاهدان اولیه در نظر داشتند در قرآن متداول نیست. در تمامی آیات قرآن فقط یک بار یاد شده و آن هم در سوره یوسف آیه ۲۰ آمده است که به معنای بی توجهی به وجه نقد در مقابل فروش یوسف است. «و شروه بثمان بخش دراهم معدوده و کائوا فیه من الزاهدین» (سوره یوسف، آیه ۲۰). اما مفاهیم بسیاری از آیات قرآنی نشان از دعوت مسلمانان به زهد و پارسایی دارد. به همین خاطر صوفیان بعدی برای اثبات نظرات خود در مقابل معارضین به تأویل و تفسیر آن می‌پرداختند. خاصه در جایی که بیم دادن مشرکان و ترساندن آنان مقصود خداوند بود، حقیر شمردن متاع دنیا و بشارت دادن به نعیم آخرت مکرر آمده است و این امر خود از مبانی زهد اسلامی به شمارست. که در ترغیب مسلمانان قرون اولیه بی تأثیر نبوده است. اگرچه پیامبر افراط در زهد را غالباً منع می‌کرد اما در روزگار وی تحت تأثیر آیات قرآنی مسلمانان از خوف خداوند چندان جرأت پرداختن به لذت‌های این جهانی را نداشتند.

بدین ترتیب حسن بصری به عنوان یک قاری و مفسر قرآن با تأمل و تدبّر در آیات قرآنی می‌توانسته، آیات فراوانی را دال بر رغبت و تمایل به زهد در مفاهیم کتاب آسمانی دریابد. اما زهد رابطه بسیار نزدیکی با تصوّف دارد. اگرچه حسن بصری در دوره خود به عنوان یک صوفی شهرت نیافت و اغلب با القابی چون زاهد و پارسا و متعبد از او یاد می‌شد ولی تربیت زاهدانه وی راه را برای پذیرش حقیقت الهی و ذوب شدن در حق با ریاضت ناشی از خودداری از هوس‌ها و دل بریدن از دنیا و روی کردن به سرای جاوید آماده و مهیا ساخت، وی در تثبیت بنیان اولیه تصوّف زاهدانه اسلامی نقش اساسی و غیر قابل انکار داشته است. و از همین جاست که «گروهی براساس شواهد و قراین، ظهور اصطلاح صوفی و تصوّف را مربوط به حسن بصری می‌دانند و بر این باورند که وی نخستین زاهدی است که اهل تصوّف بوده و درباره آن سخن گفته و کلمه صوفی را در اصطلاح خاص به کار برده است در این جمله که گفت: «رأیت صوفیاً فی الطواف و اعطیته شیئاً فلم یأخذ». در تاریخ تفکر و تصوّف اسلامی کمتر چهره‌ای جامعیت حسن بصری را در قرن نخستین دارد. مطالعاتی که در دوره‌های اخیر

در جهان اسلام درباره وی صورت گرفته به روشن شدن اندیشه‌های تصوف زاهدانه او کمک شایانی کرده است. حتی در پاره‌ای از سخنان و روایات منقول از وی جنبه عبادت حق تعالی بی چشم داشت ثواب اخروی مشهود است: « به به از آن که سهم خود را از میانه برگیرد تا صبرش خاصه برای حق باشد و نه از بیم دوزخ، و زهدش برای حق بود نه برای رسیدن به بهشت؛ و این علامت صحت اخلاص است. » این همان اندیشه عرفان و تصوف عاشقانه است که در اقوال حسن بصری منعکس شده است و بعدها توسط رابعه وحلاج و دیگران به تکامل می‌رسد.^۱ با اینکه مطالعات محدودی درباره آموزه‌های تصوف زاهدانه حسن بصری صورت گرفته است اما همین مقدار عقاید او را در دو سوی متقابل قرار داده است. در نتیجه گروهی از پژوهشگران برداشتی منفی از اندیشه‌های زاهدانه حسن بصری دارند و خاصه رفتار و کردار او را موجب تحریف و گمراهی عامه مردم از اسلام رسمی و متعارف می‌دانند تحریفی که زاده پیش فرض‌های بیمار گونه‌ای است که همراه با یک سلسله پندارهای خام مطرح شده است و عالمان و پژوهشگرانی که اندیشه‌های صوفیانه او را ارزیابی مثبت می‌کنند معتقدند که جهان بینی این چهره تصوف زاهدانه اسلامی بر بخش بزرگی از اندیشه جهان اسلام حاکم بوده است و شایسته نیست که به آسانی نادیده گرفته شود. البته هدف من در این جا طرح سوء تفاهم‌های ساده انگارانه در بررسی افکار و اندیشه‌های حسن بصری نیست که این امر مطالعه‌ای جامع و اساسی با پشتوانه قوی علمی در شاخه‌های مختلف علوم اسلامی و تصوف و تاریخ سیاسی اسلام را اقتضا می‌کند.

نتیجه

با توجه به مباحثی که مطرح شد اگرچه زهد همه جا سرچشمه تصوف نبوده است اما ظهور آن بی هیچ تردیدی یکی از عوامل عمده شکل‌گیری تصوف زاهدانه اسلامی بوده است. در بررسی زمینه‌های زهد با دو عامل عمده رو به رو بوده‌ایم از یک سو عامل بیرونی که نتیجه تأثیر باور تعالیم آسمانی و آرا و عقاید دیگر ملل و اقوام بشری است که در این راستا زهد اسلامی تأثیر نسبی از رهبانیت و شیوه زهد آیین مسیحیت پذیرفته و نشانه‌هایی از آیین هندیان

۱- کشف المحجوب، ص ۱۳۰.

و بودائیان در آن قابل رؤیت است. اما زهدی که زهاد مسلمان را به سوی تصوف زاهدانه سوق داده از تعالیم قرآن، سیرت پیغمبر اکرم و رفتار صحابه مأخوذ بوده است و این امر در گفتار و اقوال این زاهدان پارسا به خوبی هویدا است. حسن بصری به عنوان برجسته ترین چهره زهد و تعبد در این دوره است وی به دلیل وحشت از عذاب خداوندی کاملاً مواظب وظایف دینی خود بوده است. همچنین با الهام از سخنان و سیرت پیامبر اکرم و صحابه در سیر و سلوک زاهدانه خویش با اقوالی که از او برجاست به حق آغازگر تصوف زاهدانه اسلامی به شمار می آید و این امر در اقوال صوفیان دوره های بعد مورد تأکید و تأیید قرار گرفته است. به گونه ای که صوفیان بعدی همان شیوه زاهدان نخستین، چون حسن بصری را در سده های دوم و سوم هجری روش خود در سیر سلوک صوفیانه قرار دادند.

منابع و مأخذ:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن اثیر، عزالدین علی بن احمد بن ابی الکریم، الکامل فی تاریخ، بیروت، مکتب التراث، ۱۴۱۴.
- ۳- این خلکان، احمد بن محمد ابی بکر، وفيات الاعیان، احسان عباس، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۶۴
- ۴- ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، بیروت، دارالبیروت، ۱۴۰۵.
- ۵- ابونعیم اصفهانی، حلیه الاولیاء و الطبقات الاصفیاء، قاهره، مکتب خانجی، ۱۹۳۳.
- ۶- بدوی، عبدالرحمن، تاریخ تصوّف اسلامی از آغار تا سده دوّم، ترجمه دکتر محمود افتخارزاده، دفتر نشر معارف اسلامی، ۱۳۷۵.
- ۷- برتلس، یوگنی ادوارد ویچ، تصوّف و ادبیات تصوّف، ترجمه سیروس ایزدی، امیرکبیر، تهران، ۲۵۳۶.
- ۸- بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران، نشر نقره، ۱۳۶۷.
- ۹- ثبوت، اکبر، حسن بصری گنجینه دار علم و عرفان، انتشارات حقیقت، تهران، ۱۳۸۶.
- ۱۰- حنا الفاخوری، خلیل الجبر، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۶.
- ۱۱- ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۷.
- ۱۲- رضی، هاشم، ادیان بزرگ جهان، تهران، انتشارات آسیا، ۲۵۳۵
- ۱۳- رجایی بخارایی، احمدعلی، فرهنگ اشعار حافظ، انتشارات علمی، تهران ۱۳۷۳.
- ۱۴- زرین کوب، عبدالحسین، میراث صوفیه، انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۶۲.
- ۱۵- عطّار، شیخ فریدالدین، تذکره الاولیاء، انتشارات منوچهری به کوشش نیکلسن، ۱۳۷۴.
- ۱۶- عمید زنجانی، عباسعلی، پژوهش در پیدایش و تحولات تصوّف و عرفان، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶.
- ۱۷- غزالی، کیمیای سعادت، به کوشش خدیو جم، ۲ ج، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم، ۱۳۷۸.

- ۱۸- غنی، قاسم، بحث در آثار و افکار و احوال حافظ تاریخ تصوف در اسلام، زوار، چاپ هفتم، ۱۳۷۵.
- ۱۹- فروهر، نصرت الله، سرچشمه‌های عرفان، نشر افکار، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷.
- ۲۰- قشیری، ابوالقاسم، ترجمه رساله قشیریه، ترجمه ابوعلی عثمانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵.
- ۲۱- کاشانی، عزالدین محمود، مصباح الهدایه، به تصحیح جلال الدین همایی نشر هُما، چاپ چهارم، ۱۳۷۲.
- ۲۲- کربن، هانری، تاریخ فلسفه اسلامی ج ۱ و ۲، ترجمه اسدالله مبشری، چاپ سوم، امیرکبیر، ۱۳۶۱.
- ۲۳- گوهرین، صادق، شرح اصطلاحات تصوف، ج ۵، انتشارات زوار، ۱۳۸۰.
- ۲۴- گیپ، همیلتون، بررسی تاریخ اسلام، ترجمه منوچهر امیری، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
- ۲۵- نوریخس، جواد، حسن بصری، انتشارات یلداقلم، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۲۶- نیکلسن، رینولد، پیدایش و سیر تصوف، ترجمه محمدباقر معینی، انتشارات توس، ۱۳۵۷.
- ۲۷- هجویری، ابو الحسن علی، کشف المحجوب، مقدمه و تصحیح و تعلیقات محمود عابدی، تهران، سروش، ۱۳۸۴.